انترناسیونال 718

کاظم نیکخواه

**بحران رابطه آمریکا و جمهوری اسلامی**

مدتهاست این سوال که بین آمریکا و جمهوری اسلامی جنگ میشود یا نمیشود موضوع بحث رسانه ها و محافل و مفسران مختلف در ایران و در سطح جهان است. جریانات راست و ناسیونالیست و سلطنت طلب امیدشان را به رژیم چنج آمریکائی که قرار است با جنگ و کودتا انجام شود بسته اند. اما روز دوشبنه ٢٧ ماه مه دونالد ترامپ در ملاقات با نخست وزیر ژاپن با گفتن جملاتی همه دلباختگان "رژیم چنج" آمریکائی را نا امید و عصبانی کرد. او گفت "ایران با همین رهبران موقعیت تبدیل شدن به کشوری بزرگ را دارد. می‌خواهم به صراحت بگویم که ما به دنبال تغییر رژیم نیستیم. ما به دنبال جلوگیری از تسلیحات هسته‌ای هستیم". با این جملات جریاناتی که خواب سناریوی آمریکائی رژیم چنج را دیده بودند که آنها را به سریر قدرت برساند، مایوس و سرخورده شدند و شروع به انتقاد از سیاست ترامپ کردند. اینها همانهایی هستند که از کنار رفتن اوباما ابراز شادمانی کردند روی کار آمدن ترامپ فاشیست در آمریکا را جشن گرفتند. زیرا این توهم را داشتند که آمریکا میتواند در ایران سیاست "رژیم چنجی"اش را پیاده کند. سیاستی که در هیچ کجا آنگونه که اینها میخواهند پیش نرفته است چه رسد در ایران که یک جامعه آگاه و رادیکال است و مردم خود دست به کار سرنگونی حکومت هستند و معنای توطئه گری قدرتهای سرمایه داری و تحمیل آلترناتیوها از بالای سر مردم را بخوبی لمس کرده اند، و می دانند و حتی اگر ترامپ و امثالهم بخواهند یک بار دیگر از بالا آلترناتیوهای دست ساز خودرا به جامعه تحمیل کنند، قطعا مردم قبول نخواهند کرد.

اما اساس مساله چیست؟ آیا بحران تمام شده است و خطر جنگ و کشاکش نظامی وجود ندارد؟

این روشن است که دولت ترامپ در پی جنگ و سرنگونی حکومت اسلامی نیست. این را بارها به زبانهای مختلف دست اندرکاران حکومت آمریکا بیان کرده اند و نشان داده اند. بعلاوه هرکس که شناخت ساده ای از وضعیت سیاسی در آمریکا داشته باشد میفهمد که آمریکا در شرایطی نیست که بخواهد و بتواند یک بار دیگر یک جنگ تمام عیار را در منطقه شروع کند. جمهوری اسلامی نیز علیرغم رجزخوانیهایش صفوفش بسیار بهم ریخته است و بهیچوجه در یک کشاکش نظامی گسترده با آمریکا دوام نخواهد آورد و تار و مار خواهد شد. به همین دلیل و اینکه حکومت اسلامی با موجی از سرنگونی طلبی در ایران روبروست، هیچکدام از طرفین این کشاکش در پی جنگی تمام عیار نیستند. این را ما بارها گفته ایم و تاکید کرده ایم. اما این بمعنای رفع کامل خطر جنگ نیست.

ما بارها تاکید کرده ایم که تناقضات پایه ای ای میان حکومت آمریکا و جمهوری اسلامی وجود دارد که سازش و مصالحه میان آنها را نیز غیر ممکن میکند. برای سازش و مصالحه این بویژه جمهوری اسلامی است که بخاطر معضل هویتی با مشکل روبروست. جمهوری اسلامی نه توان جنگ تمام عیار با آمریکا را دارد و نه میتواند با سازشی جدی و ادامه دار با آمریکا برسد. اینکه توان رویارویی گسترده برای جمهوری اسلامی وجود ندارد فکر میکنم برای همه روشن باشد. اما سوال اینست که چرا سازش نیز غیر ممکن است؟

دلیلش همانگونه که ما در مقاطع مختلف از جمله در مقطع تصویب برجام تاکید کردیم بطور خلاصه اینست که حکومت اسلامی بنا به تعریف خود را ضد آمریکائی تعریف کرده است. ضد آمریکائی گری ایدئولوژی و ماهیت و هویت این حکومت است. این حکومت نه فقط با دولت آمریکا بلکه با کل تمدن و فرهنگ غرب ضدیت آشکار دارد و اسلامش را بعنوان آلترناتیو فرهنگ و تمدن غرب تعریف کرده است و نیروها و عمله اکره و مزدوران و تروریستها و وابستگانش را بر این اساس بسیج کرده است و سرکوب جامعه را نیز با پرچم ضد آمریکائی گری به پیش برده است. ضد آمریکائی گری ارتجاعی جزو تاریخ جمهوری اسلامی است که از انقلاب ٥٧ به این حکومت تحمیل شد و دیگر نتوانست از آن دست بردارد. هرگونه عقب نشینی از این هویت به قیمت بهم ریختن خطرناک صفوف حکومت اسلامی تمام خواهد شد.

از آن طرف طبقه حاکم آمریکا گرچه با سرکوب و چپاول و اعدام و تحجر حکومت اسلامی هیچ مشکلی ندارند، اما با با کل سیاستهای ضد آمریکائی این حکومت مشکل جدی دارد. از تبلیغات ضد آمریکائی در داخل ایران و تبدیل کردن ایران به پایگاه روسیه و چین و رقبای آمریکا گرفته تا دخالتگریهای نظامی در یمن و سوریه و لبنان و عراق و افغانستان از نظر حکومت آمریکا غیرقابل قبول است. جمهوری اسلامی اگر بخواهد به سازش و مصالحه ای با آمریکا برسد و خودرا از محاصره اقتصادی و تهدید نظامی و جنگ خلاص کند، باید از این سیاستها دست بردارد. بعید نیست ترامپ نیز روزی مانند اوباما به سازشی نیم بند با جمهوری اسلامی رضایت دهد زیرا تمام هدفش اینست که با آخوندهای حاکم در ایران نیز مثل رهبر کره شمالی یک عکس یادگاری بگیرد و از آن برای تبلیغات انتخاباتیش استفاده کند. جمهوری اسلامی نیز که این را میداند به تحریکات نظامیش ادامه میدهد و میخواهد رودرروییهای نظامی کنترل شده ای با آمریکا را ایجاد کند و بعد به میز مذاکره وارد شود و از این طریق قدرت نظامی خودرا برجسته کند. محاسبه سران حکومت اینست که در چنین حالتی آبروی حکومت خریده خواهد شد و با دست بازتری وارد مذاکره خواهند شد و مجبور به قبول هر شرط و شروط و عقب نشینی ای نخواهند گردید. به همین دلیل حکومت اسلامی به تحریکات و ماجراجویی های نظامی خود ادامه میدهد. و همین میتواند آتش یک جنگ را در جایی شعله ور کند. هر جنگی میتواند بطور محدود شروع شود اما الزاما محدود نخواهد ماند. این اراده و نیت طرفین نیست که تعیین میکند جنگ چه ابعادی بخود بگیرد و چه خصوصیتی پیدا کند. بلکه جنگ وقتی که شروع شد قانون خودرا دارد.

بنظر من تا زمانی که جمهوری اسلامی سرکار است بحران سیاسی با غرب نیز ادامه خواهد یافت. این بحران میتواند با گسترش تحریمهای اقتصادی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی و رویارویی های نظامی در اینجا و آنجا ادامه یابد. هم اکنون جنگهای نیابتی میان جمهوری اسلامی و آمریکا در مناطق مختلف جریان دارد. این کشاکش ها و بحران خطرات جدی ای را بالای سر جامعه و مردم ایران و منطقه قرار داده است. چه ترامپ با جمهوری اسلامی به مذاکره و سازش برسد چه نرسد، این بحران با وجود جمهوری اسلامی تمام نخواهد شد و خطرات و فشارهای آن بالای سر جامعه باقی خواهد ماند. کم درد ترین راه خلاص شدن از خطرات جنگ و تحریمها و گرانی و بحران و کشاکش بی پایانی که از زمان روی کار آمدن حکومت سلامی شروع شده، سرنگونی حکومت اسلامی با انقلاب مردم است. این تنها راه و عملی ترین راه و کم دردترین راه خلاص شدن از این شرایط ناهنجار و خطرناک است. کارگران و مردم ایران ایران دست به کار چنین تحولی هستند. باید تلاش کنیم که بحران سیاسی و نظامی با غرب از این طریق به طور قطع به پایان برسد و مردم روی آرامش و رفاه و آزادی را ببینند.\*